

زیر آسمان فیروزه‌ای

«کیارستمی و عصای گمشده» نامزد ۴ جایزه از جشنواره آمریکا

● فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» نامزد دریافت چهار جایزه از جشنواره تندیس طلایی شد. به گزارش روابط عمومی فیلم «کیارستمی و عصای گمشده»، جشنواره بین‌المللی فیلم تندیس طلایی میزبان فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده» در آمریکا شد. این فیلم در چهار بخش بهترین فیلم مستند، بهترین تصویربرداری، بهترین تدوین و بهترین کارگردانی نامزد دریافت جایزه شد. جشنواره بین‌المللی فیلم تندیس طلایی با محوریت توجه به استعدادهای جوان در عرصه فیلم‌سازی از تاریخ یکم تا چهارم شهریور در لس‌آنجلس برگزار می‌شود. فیلم بلند «کیارستمی و عصای گمشده» به کارگردانی محمودرضا ثانی و تهیه‌کنندگی بهروز نشان است. داستان این فیلم روایت تازه‌ای از نوع نگاه کیارستمی به زندگی و سینماست. محمودرضا ثانی به مدت چهار سال، زمانی که کیارستمی ورکشاپ‌های سینمایی در اسپانیا و کلمبیا برگزار می‌کرد، نوع نگاه یک مؤلف، دیدگاه و جهان‌بینی کیارستمی را با این فیلم به تصویر کشید.

سیامک انصاری در «لامینور» مهرجویی

● سیامک انصاری بازیگر «لامینور» تازه‌ترین فیلم داریوش مهرجویی شد تا برای نخستین‌بار در فیلمی از این کارگردان پیش‌کسوت سینمای ایران حضور داشته باشد. پیش‌تر حضور علی نصیریان، بازیگر پیش‌کسوت سینما و تئاتر ایران، در این فیلم قطعی شده بود. «لامینور» به کارگردانی داریوش مهرجویی با طراحی گریسم عبدالله اسکندری و مدیریت فیلم‌برداری بهرام بدخشانی با نویسندگی مشترک وحیده محمدی‌فر و داریوش مهرجویی به تهیه‌کنندگی رضا درمیشیان جلوی دوربین خواهد رفت.

«در جستجوی فریده» با مخاطب خارجی ارتباط برقرار می‌کند

● نمایش ویژه فیلم «در جستجوی فریده» که نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۰ است، شامگاه چهارشنبه ۲۰ مردادماه با حضور تعدادی از هنرمندان در سالن سینماتوگراف موزه سینما برگزار شد. آزاده موسوی، یکی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان فیلم، گفت: انتخاب «در جستجوی فریده» شور و شغفی در سینمای مستند ایجاد کرده که برای ما بسیار امیدبخش است و از آنجایی که مستند قلب تپنده جامعه است، رشد و بلوغ آن بسیار حائز اهمیت است. این فیلم به جشنواره‌های خارجی زیادی رفته است و تجربه دیدن فیلم با تماشاگران خارجی به ما نشان داد فیلمی قابل فهم و تأثیرگذار برای آنها بوده است. موسوی که «در جستجوی فریده» را اولین فیلم تاریخ سینمای ایران دانست که از طریق کمک‌های مردمی ساخته شده است، افزود: ساخت این فیلم به ما نشان داد اگر با انرژی مثبت دست به دست هم دهیم، اتفاقاتی‌های بسیار خوبی می‌افتد. کوروش عطانی، دیگر کارگردان و تهیه‌کننده فیلم، نیز گفت: باید مرزبندی را در فیلم‌ها برداریم و به فیلم خوب و سینمایی درست بیشتر فکر کنیم. زمانی که با شخصیت فریده آشنا شدیم یکی از جذابیت‌ها لایه‌های دیگری مثل تفاوت فرهنگی بود.

بهناز شیربانی: «سرکوب» نخستین تجربه سینمایی رضا گوران، مدتی است به اکران رسیده؛ فیلمی که از زمان ساخت تا به امروز حواشی بسیاری را پشت سر گذاشت و از حضور در جشنواره فیلم فجر بازماند؛ اما حالا در اکران عمومی می‌توان طیف وسیعی از نظرات را درباره این فیلم شنید و آن را از جنبه‌های متفاوتی بررسی کرد. رضا گوران با «شرق» درباره سکوتش در جشنواره فیلم فجر، ورودش به سینما و دغدغه‌ای که در پی آن این عرصه را انتخاب کرد و در نهایت شرایطی که فیلم در اکران تجربه می‌کند، صحبت کرد که شما آن به خواندن این گفت‌وگو دعوت می‌کنیم.

🔴 «سرکوب» در جشنواره فیلم فجر دیده نشد، اما از دیدگاه بسیاری

که فیلم را در اکران عمومی تماشا کردند، به‌نوعی دغدغه‌مندی شما در این فیلم نمود پیدا کرده است و در گفت‌وویی از شما می‌خوانم که «سرکوب» به‌نوعی ادای دین از سمت شماست در ابتدا اساسا درباره تغییر مسیر از تئاتر به سینما صحبت کنیم. چرا سینما را انتخاب کردید؟

من در سال‌های فعالیت‌م در تئاتر هم سعی کردم بی‌تفاوت نباشم. ادعا نمی‌کنم که مصلح اجتماعی هستم یا بیشتر از همه مسائل اجتماعی را درک می‌کنم؛ اما تلاش می‌کنم راهکارهای متفاوتی برای فضاهایی که دچار جمود و مردگی است، پیدا کنم. اساسا فلسفه واردشدن من به هنر نیاز به عبور از این جمود بود. جمودی که ابتدا ممکن است دچار خود آدم شود و بعد فضای اطرافش، به‌همین‌دلیل همیشه دنبال راهکارهای تازه بودم. البته بدون اینکه خودنمایی‌کنم. به نظرم زمان مناسبی برای کار در سینما بود، چراکه در تئاتر تجربیاتی را که فکر می‌کردم باید انجام بدهم، انجام دادم. البته این حرف به این معنی نیست که دیگر تئاتر کار نمی‌کنم، بلکه دوست داشتم حوزه وسیع‌تر و بی‌رحم‌تر و البته جذاب‌تری را تجربه کنم. جذاب‌تر از نظر طیف وسیعی از مخاطبی که شما را دنبال می‌کند. این باعث می‌شود شما با مخاطب وسیع‌تری روبه‌رو شوید. همین باعث می‌شود زحمتی که می‌کشید در ایجاد بیشتری دیده شود. اندیشه و تفکر شما در ذهن‌های بی‌شماری منتشر می‌شود، برای همین سینما را انتخاب کردم. البته می‌دانستم بخش صنعتی سینما همیشه روبه‌روی بخش آرتیستیک من قرار می‌گیرد. سعی کردم این پیوند را برقرار کنم. برای من صحبت‌کردن از مردمانی که برای این سربزین رنج کشیدند و مادرائی که فقدان را تجربه کردند یا مادرائی که از نزاع‌های سیاسی آسیب دیدند، مهم است. مادرائی که در طول جنگ فرزندانشان را از دست دادند. همه اینها برایم ارزشمند است و نمی‌توانم درباره آن بی‌تفاوت باشم و اگر دقت کرده باشید هیچ‌گونه شعار سیاسی ندادم. نه اصلاح‌طلبانه برخورد کردیم نه اصولگرانه. اما قاطعانه می‌گویم من اصولگرایی را که به خودش باور داشته باشد فارغ از اینکه من آن را قبول داشته باشم یا نه به یک اصلاح‌طلب ترسو ترجیح می‌دهم. هیچ چیز بدتر از یک اصلاح‌طلب ترسو برای دفاع از رأی مردم نیست. صد بار تحسین می‌کنم اصولگرایی را که پای اعتقاداتش می‌ایستد و این زیباست. اصولگرایی را که با هر تفکر پای اعتقادش ایستاده و شجاعانه از آن دفاع می‌کند، در برابر یک اصلاح‌طلب ترسو که مدام ج می‌زند، ترجیح می‌دهم؛ بنابراین فکر می‌کنم چیزی که ما نیاز داریم ایستادن پای آرمان‌های فرهنگی است که از آن حرف می‌زنیم. معتقدم بیشتر از هر زمان دیگری باید با هم حرف بزنیم. باید دست بیشتر از هر زمان دیگری باید با هم حرف بزنیم. باید دست



از کینه و نفرت برداریم. «سرکوب» می‌گوید با هر اعتقادی قبل از اینکه دیر شود با هم حرف بزنیم. من به‌عنوان یک آدم فرهنگی باید این هشدار را بدهم. با هم حرف بزنیم و گفت‌وگو کنیم. جامعه را عصبانی و خشمگین نکنیم. هر دو طرف نسبت به هم کینه و نفرت نداشته باشند، این سازنده نیست. در زمان جنگ یک دشمن داشتیم، نمی‌گویم همیشه باید دشمن داشته باشیم تا فرهنگ به تازه بیدم. ولی براساس دشمنی که بیرون بود و علیه آن از خودمان دفاع می‌کردیم، در کنار هم بودیم. الان عیله هم هستیم و به‌مرور محافظه‌کار، ریاکار و ترسو می‌شویم. جالب است از چیزی که خوب است تعریف نمی‌کنیم، می‌گذاریم اگر همه تعریف کردند، ما هم تعریف می‌کنیم. این فرهنگ را است. پس آدم مستقل کجاست؟ معتقدم باید سرزمینمان را بسازیم و اصلا کار فرهنگی در این باره انجام بدهیم. در راستای کم‌کردن یک چهل قدم برداریم. شاید دارم شعار می‌دهم، بالاخره همین‌ها برایمان باقی مانده است!

🔴 به‌رحال «سرکوب» از جمله فیلم‌هایی است که در میان میاهوی سال‌های اخیر و هجمه فیلم‌های کیشه‌ای مخاطب خاص‌تری را جذب کرده. اساسا برای ساخت فیلم اول، «سرکوب» کمی ریسک محسوب می‌شود. در تجربه اولم در سینما، دنبال فیلمی نبودم که گیشه‌ها را فتح کند. من این راه را بلدم. کم‌اینکه در تئاتر هم با وجود اینکه آثارم سبک آرتیستیک خودش را حفظ کرده، همیشه پرفروش‌ترین کارها را داشتم. ولی در فیلم اول سعی کردم دغدغه‌ای را که با آن مسئله داشتم، مطرح کنم و به نظرم با همه مصائبی که سرم آمد، توانستم انجاشم بدهم.

🔴 مقصود از ریسک این بود که در نگاه اول به نظر می‌رسید با توجه به قصه‌ای که روایت می‌کند، می‌تواند در فهرست فیلم‌هایی باشد که در جشنواره فیلم فجر دیده نشود یا موانعی سر راهش قرار گیرد. من برای رضایت دیگران فیلم نمی‌سازم. فیلم می‌سازم برای اینکه به خودم بدهکار نشوم. البته مخاطب برایم اهمیت دارد، مگر می‌شود بدون مخاطب اثری تولید کرد؟ اما گاهی از حرف مدیران فرهنگی هم گیج می‌شوم، از طرفی از این صحبت می‌شود که به سینمای دغدغه‌مند نیاز داریم و سینمایی که حرف‌های تازه‌ای داشته باشد و

هنر



عکس: سحاب - آریانا

گفت‌وگو با رضا گوران، کارگردان فیلم «سرکوب»

دنبال فتح گیشه نبودم

از طرف دیگر اگر کسی حرف تازه و تفکر داشته باشد، آن را پس می‌زنیم. تکلیفمان را با خودمان روشن کنیم. دقیقا چه می‌خواهیم؟ من مخالف کمدی نیستم، مخالف قصه‌های سطحی با پرداخت‌های عوام‌فریانه هم نیستم. همه اینها لازم است و نمی‌توان غریبال کرد که چه کسی حق کارکردن دارد، چه کسی این حق را ندارد. درعین‌حال این گونه‌ای که امثال من هم کار می‌کنند لازم است. ساخت فیلم اجتماعی مستقل پر دغدغه لازم است؛ فیلمی که به مسئله فقدان بی‌اهمیت نیست، فیلمی که قشر زیادی از جامعه را درگیر می‌کند. الان که با هم حرف می‌زنیم، فیلم در آستانه یک‌میلیاردی‌شدن است. این در حالی است که «سرکوب» با کمترین میزان تبلیغات و سالن، اکرانش را آغاز کرد. مقصودم این است که با ابتدا به‌دنبال رکوردزدن نبودیم؛ مگر سینما و هنر امیک است؟ مگر قرار است مدال بگیریم؟ به نظرم اگر قرار است مدال بگیریم، باید ورزش را انتخاب کنیم. حتی در ورزش هم آیین پهلوانی مهم‌تر از آیین قهرمانی است. جالب است که در این مملکت شعار آیین پهلوانی می‌دهیم اما همه را به سمت آیین قهرمانی سوق می‌دهیم. آیین قهرمانی دویبیک می‌خواهد و خیلی چیزهای دیگر. البته هرکسی قهرمان می‌شود، لزوما دویبیک نمی‌کند. ولی موضوع این است که در سینما به‌دنبال اندیشه سینمای فاخر و متفکر هستیم و اینکه به شعور مخاطب احترام گذاشته شود. برای فیلم اول فکر نمی‌کردم مشکلات کمی داشته باشم اما تا حدی از پس مشکلات برآمدم. دو بار فیلم‌نامه رد شد و بار دیگر فیلم‌نامه بیست‌ویک مورد اصلاحیه خورد. همه اینها باعث شد کار سخت‌تر شود. دوتا تهیه‌کننده برای این فیلم عوض شد. شرایط مثل دو امدادی بود و در نهایت فیلم ساخته شد و در آرام‌ترین و بی‌سروصداترین شکل خودش اکران شد.

🔴 زمانی که فیلم در فهرست نهایی هیئت انتخاب در جشنواره فیلم فجر نبود هم اعتراض عجیب‌وغریبی به شرایط نداشتیم.

بله. من از قید فجر گذشتم، درصورتی‌که حضور در جشنواره برایم مهم بود. من فیلم اولم را ساخته بودم و مهم‌تر اینکه «سرکوب» یک فیلم اجتماعی است. اگر این فیلم در جشنواره دیده می‌شد که قول می‌دهم دیده می‌شد، اتفاقات بهتری را در اکران تجربه می‌کرد. پس نباید در فجر دیده می‌شد؛ از ما خواسته شد انتخاب کنیم یا حذفیات بسیار و فجر با بدون حذفیات زیاد و اکران. تصمیم گرفتم فیلم سالم به اکران برسد و چه قربانی‌کردن وحشتناک و تصمیم سختی بود. ولی اگر چنین عوامل درجه یکی نداشتیم که پشتم نبودند، نمی‌توانستم درست تصمیم بگیرم. در زمان جشنواره فیلم فجر هم برخی مدیران سعی کردند صادقانه کمک کنند. مثل آقای داروغه‌زاده که کمک زیادی کرد. برخلاف اینکه شاید عده‌ای فکر کنند من از مدیری ناراحتی و گله‌ای به دل دارم، اصلا این‌طور نیست. آقای داروغه‌زاده در جشنواره فیلم فجر سعی کرد فیلم آسیب کمتری ببیند، خیلی دوستانه با من جلسه گذاشت و چیزی را تحمیل نکرد. من شاهد دوران بدتری در تئاتر بودم که اصلا نمی‌توانستیم انتخاب کنیم. به‌رحال در جشنواره فیلم فجر سعی کردم عیبانی برخورد نکنم. بعد از فجر سکوت کردم تا اکران. به قولی که دادم احترام گذاشتم، ممکن است خیلی‌ها با خودشان فکر کنند که اصلا رضا گوران و حضورش در سینما در‌درس است ولی من متوقف نخواهم شد. هنر برای من عرصه زیستی است که بدون آن زندگی امکان‌پذیر نیست. صادقانه سعی کردیم به مردم احترام بگذاریم.

🔴 با همه اینها در اکران عمومی نیز ظاهرا تن به حذفیات در فیلم دادید.

بله. بخشی از نرتیشن پایانی مادر حذف شد و چیز دیگری نوشته شد. بخشی از سکانس آقای هاشم‌پور و خانم کُردا حذف شد. بخشی از دیالوگ‌های سارا بهرامی و الهام کُردا نزدیک به دو دقیقه حذف شد. ابتدا گفتند ۱۱ دقیقه حذف شود یا موسیقی و شعر ابتهاج نباید در فیلم باشد و با شخصیتی که آقای هاشم‌پور در فیلم بازی می‌کنند، مشکل داشتند. شناس آوردم به صدای استاد شجریان در فیلم اشکالی نگرفتند.

🔴 بسیاری درباره ابهام در پرداختن به شخصیت خسرو در فیلم انتقاد می‌کنند، هرچند تا حدی دلیل این ابهام‌گویی در فیلم مشخص است. از نظر شما چقدر فیلم‌نامه با تمام ملحوظاتی که برای ساختش لحاظ شد، آسیب دید؟

بله، شخصیت خسرو به شکلی است که مخاطبان

متوجه می‌شوند قضیه چیست و چقدر کنگ صحبت کردیم. تنها ایرادی که می‌توانم به خودم بگیریم پرداخت کم به خسرو است و تنها چیزی که باعث می‌شود در مورد این موضوع خودم را ببخشم، این است که دستم بسته بود. من گله‌ای از برخی دوستان منتقد دارم. البته برخی از سینمایی‌نویسان آن‌قدر به فیلم لطف داشتند و آن‌قدر اقبال نقدها درخشان بود که باید از تک‌تک آنها تشکر کنم. اینکه «سرکوب» توانسته نظره‌ای مثبت و منفی بگیرد، جای خوشحالی است. این برای من یعنی فیلم موفق بوده است. اما مدتی قبل منتقد عزیزی درباره فیلم گفت که دیگر دوران مبهم‌گویی گذشته است. جالب است که این منتقد عزیز انکار در

سوئیس زندگی می‌کند! دوست عزیز تو در حرف‌زدنت در یک برنامه زنده هم دچار سانسور هستی. چگونه ممکن است در این دوره بشود روشن صحبت کرد. شما کجا هستید؟ اصلا روزنامه‌ها را می‌خوانی؟ با مردم و رسانه‌ها در ارتباطی؟ خبرها را پیگیری می‌کنی؟ ما مفهومی به اسم دادگاه آشنا هستی؟ تو می‌توانی فیلم را دوست نداشته باشی. مشخص است که نمی‌توان در سینمای ایران واضح از برخی مسائل صحبت کرد. اگر در ایران زندگی نمی‌کنی من بختی ندارم. ولی اگر در ایران زندگی می‌کنی باید بدانی که درباره خیلی از مفاهیم نمی‌توان صحبت کرد و ممنوع است. طبعاً در فیلم‌نامه‌ای که دو بار رد می‌شود و ۲۱ مورد اصلاحیه می‌گیرد، مجبور برخی اصلاحات را لحاظ کنم وگرنه همین هم ساخته نمی‌شد. برخی از ابهامات فیلم را می‌پذیرم مثل اینکه به خسرو خیلی پرداخته نشده، اما ما من هوش مخاطب را بالا فرض کردم و احساس کردم مخاطب با پس‌زمینه‌هایی که در همه این سال‌ها وزیست در سرزمین عزیزمان دارد، مسلما می‌تواند برخی مسائل و ابهامات را تشخیص بدهد.

🔴 حس کردم پایان فیلم و واردشدن دختر باران کمی با کلیت قصه هم‌خوانی ندارد. از ابتدا چنین پایانی در ذهنتان بود؟

پایان فیلم برای زمانی است که باران و مادر به حمام می‌روند و صدای آب کم‌کم تمام خانه را می‌گیرد و بعد تبدیل می‌شود به باران و تمام راه‌رو خانه را باران فرامی‌گیرد. اما پیشنهاد ارشاد این بود که نیاز به امید در فیلم هست، در نتیجه دخترچه‌ای که نقش دختر باران کوثری را بازی می‌کند، وارد می‌شود و سعی می‌کند این را با فیلم منطبق کنیم. در این مورد خیلی مقاومتی نکردم.

🔴 برای نگارش فیلم‌نامه چقدر زمان گذاشتید؟

نزدیک شش، هفت ماه روی فیلم‌نامه کار کردم. مشاور عزیزی مثل اصغر عبداللهی در کنارم بود. به‌رحال نگارش این قصه سختی‌های خاص خودش را هم داشت، مثل اینکه فیلم‌نامه‌ای در فضای بسته نوشتن برخلاف تصور عموم بسیار سخت است و اینکه می‌بینید حتی یک پلان خارجی هم نداریم و تماما در خانه بودیم و هیچ کلکی هم نزنیم. در راهروی خانه ۱۲ سکانس گرفته شده اما مخاطب خیلی احساس نمی‌کند و از این بابت خوشحالم که فضای بسته فیلم‌داری مخاطب را اذیت نمی‌کند. آقای گوران کمی درباره فضایی که سال‌ها در آن تجربه کردید، یعنی تئاتر، صحبت کنیم و تجربه‌ای که در همین فیلم اول در سینما کسب کردید. برخی معتقدند حضور کارگردان‌های تئاتر در سینما به‌نوعی ریسک محسوب می‌شود، مثال‌های فراوانی از موفقیت یا عدم توفیق چهره‌های تئاتری در سینما وجود دارد. اما طبعا این توانایی قصه‌گویی است که در نهایت از دید مخاطب اثر را ماندگار می‌کند. در واقع سؤال مشخص من از شما این است که به سینما آمدید که چیزی به آن اضافه کنید یا صرفا چیزی به خودتان اضافه کنید؟

منافاتی ندارد اگر هر دو باشد. اگر به سینما بخواهیم چیزی اضافه کنیم، به خودمان هم چیزی اضافه شده است. البته سینمای ما سینمای درخشان و باشکوهی است. فیلم‌سازان خوب و سینمای پویایی داریم. صرفا تا قبل از ورود به سینما فکر می‌کردم می‌توان فیلمی ساخت برای آن دسته از مخاطبانی که با سینما قهر کرده‌اند. «سرکوب» فیلمی است که فیلم‌بازهای حرفه‌ای را درگیر می‌کند، فارغ از اینکه آن را دوست داشته باشند یا نه می‌توانند درباره آن حرف بزنند. اصلا هدف ما اندیشه‌سازی است. به این فکر نکردم که چیزی به سینما اضافه کنم. من فقط سعی کردم فضایی دیگری را هم معرفی کنم و یک زندگی را در کنار زندگی‌های دیگر در این سینما طراحی کنم.

🔴 پیش از این صحبت کردیم که تجربه‌های شما در تئاتر عموما آثار موفقی بود و به قصد ساخت فیلم‌هایی دغدغه‌مند که توانام حرف‌های مهم و اساسی مطرح کند، به سینما آمدید. فکر می‌کنید ادامه مسیر در سینما برای شما به چه شکل خواهد بود؟ یا شاید مثل بسیاری از فیلم‌سازان در زمانی تغییر مسیر بدهید. من نمی‌توانم راه تئاتر را در سینما دنبال کنم. نمی‌خواهم این کار را انجام بدهم. برای کشف راه‌های جدید به سینما آمدم. وقتی فیلم‌نامه «سرکوب» را به مشاوران خوبی دادم که تهیه‌کننده‌ها معرفی کنند، توصیه آنها این بود که اصلا این فیلم را نساز؛ ساختن این فیلم در‌درس است و در فیلم اول آسیب می‌بینی، پاسخ من این بود که نخواهم من محافظ‌کار باشم. به هر حال من به برشت فکر می‌کنم. برشت هم گاهی مجبور بود کارهایی انجام بدهد. من هم همیشه نمی‌خواهم فیلم این مدلی بسازم. اما مطمئن باشید اگر فیلمی برای گیشه باشد، باز هم رضا گوران را در آن می‌بینید و فیلمی نمی‌بینید که فقط سرگرم شوید.

ادامه در صفحه ۱۵

دریچه

برگزیدگان جشن سینمای مستند معرفی شدند

● یازدهمین جشن مستقل سینمای مستند از مجموعه جشن‌های بیست‌ویکمین جشن خانه سینما پنجاهشنبه ۳۱ مردادماه در مرکز همایش‌های کتابخانه ملی برگزار شد. محمد صوفی، رئیس یازدهمین جشن مستقل سینمای مستند، در ابتدای برنامه با خوشامدگویی به میهمانان گفت: «آنچه امشب می‌بینید حاصل تلاشی شش‌ماهه است و جا دارد از دوستانی که تلاش کردند تا جشن امشب به پایان راه خود برسد، تشکر کنم». اشرف بورجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، روی صحنه آمد و خطاب به مستندسازان و تلاش‌های آنها گفت: «شما عزیزان تلاش کردید حقیقت و واقعیت را ماندگار کنید و به باور جامعه نشانید؛ کسانی که با دغدغه ذهنی خود همواره کوشیده‌اند و امیدواریم این تلاش مفید باشد.

در بخش بعد ضابطیان بخشی از کتاب‌های فخرالدین سیدی را که قرار بود در این جشن تجلیل شود، خواند. سیدی بعد از دریافت لوح و تندیس خود گفت: «من اعتقادی به رقابت ندارم و در این چهل و چند سال هیچ بار در هیچ مسابقه‌ای شرکت نکرده‌ام. این لوح برای من خیلی ارزش دارد چون در رقابت نگرفته‌ام و با لطف و محبت به من داده‌اند».

تندیس و دیپلم افتخار بهترین صدابرداری به حسن شافکاره برای فیلم «خانه‌ای برای تو» رسید. تندیس و دیپلم افتخار بهترین صداگذاری به امیرحسین قاسمی برای فیلم «روزی که رفت» رسید. در ادامه تیرزی از فیلم مستند «در جستجوی فریده»، نماینده سینمای ایران در مراسم اسکار ۲۰۲۰، نمایش داده شد و بعد از آن آزاده موسوی و کوروش عطای دعوت شدند تا روی سن بیایند.

در ادامه تندیس و دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه مستند به مینا مشهدی‌مهدی برای فیلم «آنجا که باد می‌وزد» رسید.

تندیس و دیپلم افتخار بهترین تهیه‌کنندگی فیلم کوتاه مستند به محمدرضا جهان‌پناه برای فیلم «پنهان» رسید. شیرین یق‌نور، دبیر تهیه‌کننده سینما، پشت تریبون قرار گرفت و بیان کرد: خوشحالم در روزگار پراسانسور سینمای امروز سینمای مستند وجود دارد و نفس می‌کشد و امیدوارم این سانسورها کمتر شود. اهدای بخش بعدی جوایز بر عهده اسماعیل مهرخرابی و حسن بهرام‌پور گذاشته شد. در ادامه فیلم افتخار بهترین موسیقی به سبیا ندایی برای فیلم «روزی که رفت» و تندیس و دیپلم افتخار به حبیب خزایی‌فر برای فیلم «مهمانی خداحافظی» رسید.

در ادامه تندیس و دیپلم افتخار بهترین تدوین به اسماعیل منصف برای فیلم «زمان» رسید. منصف نیز در سخنانی گفت: بالاخره دوستان مستندسازی راغب شدند که این جایزه را به من بدهند. کمی دیر شد برای این جایزه ولی از لطف هیئت داوران ممنونم. دیپلم بهترین کارگردانی فیلم نیمه‌بلند به کامران حیدری برای فیلم «او کس چه» و همچنین تندیس و دیپلم افتخار به لقمان خالدی برای فیلم «مهمانی خداحافظی» رسید. تندیس و دیپلم افتخار بهترین تهیه‌کنندگی فیلم نیمه‌بلند به مهدی نورمحمدی و صدیقه نورخدایی برای فیلم «آواز جعد کوچک» رسید. در ادامه دیپلم بهترین فیلم‌برداری به محمد رسولی برای فیلم «چشم‌ها و دست‌ها» و همچنین تندیس و دیپلم افتخار بهترین فیلم‌برداری به محمد حسدایی برای فیلم «خانه‌ای برای تو» رسید. دیپلم بهترین پژوهش به باقر نظامی برای فیلم «در گرداب اقراض» و همچنین تندیس و دیپلم افتخار به مهرداد زاهدیان برای فیلم «زمستان است» رسید. اعلام برگزیدگان این بخش از سوی محمد حمیدی‌مقدم، مدیرعامل مرکز گسترش و سینمای مستند و تجربی، انجام شد که در سخنانی گفت: این دومین مراسمی است که در این مدت شرکت می‌کنم. یک تبریک برای شما دارم که نماینده‌ای از سینمای مستند برای اسکار شرکت می‌کند و این را باید بگویم که سینمای مستند نماینده مهم سینمای ایران است و خواش می‌کنم همه ما پشت این فیلم باشیم و از سینمای ایران حمایت کنیم.

در بخش دیگر مرتضی رزاق‌کریمی و محمد تهامی‌نژاد برای اهدای جایزه ویژه هیئت داوران روی سن آمدند. جایزه ویژه هیئت داوران، تندیس و دیپلم افتخار به هادی معصوم‌دوست برای فیلم «روزی که رفت» رسید. دیپلم افتخار بهترین کارگردانی فیلم بلند به زینب تیریزی برای فیلم «تمام چیزهایی که جاشان خالیست» اهدا شد که وی با حضور در جایگاه بیان کرد به دلیل نادیده‌گرفتن عوامل فیلمش در این جشن. این دیپلم افتخار را نمی‌گیرد. همچنین تندیس و دیپلم به مهرداد زاهدیان برای فیلم «زمستان است» رسید. اهدای آخرین تندیس بر عهده منوچهر شاسورای و رامین حیدری فاروقی بود. دیپلم بهترین تهیه‌کنندگی فیلم بلند به بابک بهداد برای فیلم «بهارستان خانه ملت» رسید. شاهشواری قبل از اعلام تندیس گفت: آنچه این روزها پیرامون معرفی فیلم اسکار می‌گذرد، از یک زاویه جذاب است تا وقتی این اظهارنظرها به خصوص نگذرد، حق داریم نظر دهیم اما اگر از مراسمی که دارد به ما احترام می‌گذارد گریختیم، داریم به بی‌احترامی می‌کنیم.

تندیس و دیپلم بهترین تهیه‌کنندگی هم به مهدی شامحمدی برای فیلم «خانه‌ای برای تو» رسید.